

جایگاه و نقش فرش دستباف در صنایع نساجی و راههای حمایت قانونی از تولیدکنندگان فرش

نگارنده؛ صادق مهردوست؛ مشاور حقوقی و قراردادهای انجمن صنایع نساجی ایران

فرش دست بافت آمیزه ای از هنر و صنعت است، کشف فرش باستانی پایزیریک نشان داد که این صنعت از دیر باز در ممالک جهان و در بین همه فرهنگها چه به عنوان یک صنعت و چه به عنوان ابزار تجارت و چه به عنوان وسیله تزئینی و لاکچری زندگی بشر مرسوم بوده است قدمت فرش در ایران به بیش از ۲۰۰۰ سال می رسد. اوج دوران شکوه صنعت فرش ایران به دوره صفویه و رکود آن به دوره قاجاریه باز می گردد که با ورود شرکتهای چند ملیتی بافت فرشهای تقلبی (بی گره، جفت بافی) بسیار افزایش یافت. فرش ایران دارای طرحهای مختلفی است به طوریکه می توان گفت به تعداد مناطق قالیبافی در ایران طرح و نقشه زیبا و جذاب فرش وجود دارد. که اکثر آنها به نام محل بافت اولیه شان شهرت یافته اند که از جمله مهمترین آنها می توان به طرحهای آثار باستانی و ابنیه اسلامی، طرحهای ترکمن، هندسی، اسلیمی، شاه عباس، محرابی، قاجار، بته ای، هریس، ستارگه و غیره اشاره نمود. (شرکت سهامی فرش ایران، صص ۴-۴، ۱۳۵۲) که هرکدام از این عناوین نیز در زیر شاخه های خود به نقوش و طرحهای متعددی تقسیم می شود به عنوان نمونه در فرش دستباف و معروف و سنتی هریس نقشه های تاجری، کناره، قاجاری و... شهرت خاصی دارند. زیبایی و ظرافت طرحهای ایرانی موجب شده که این طرحها توسط اکثر کشورهای صادر کننده فرش نظیر هند، چین، پاکستان، مصر و... مورد تقلید غیرقانونی قرار گیرند تا آنجائیکه بسیاری از این کشورها فرشهای خود را با نام طرحهای ایرانی وارد بازار می کنند. تا جائیکه اطلاع دارم و تحقیقاتی انجام شده است تولید کنندگان چینی با استفاده از نقشه های متداول و مرسوم نقشه فرش هریس که در نوع خود بی نظیر و منحصر به فرد است نقشه های جعلی و تقلبی دقیقاً در ظاهر مشابه همان نقشه، ولی با الیاف مصنوعی و با قیمتهای خیلی پائین تر تولید و به بازارهای جهانی بخصوص کشورهای حاشیه خلیج فارس که روزی از وارد کنندگان و مصرف کنندگان عمده فرش دستباف ایران بودند روانه کرده است. فرش ایران جدا از آنکه معرف فرهنگ و تمدن و تاریخ ماست دارای اهمیت فراوانی از بعد اقتصادی می باشد، به نحویکه رقم صادرات فرش ایران در سال ۱۳۷۳ به ۲,۱۳۲ میلیون دلار رسیده و تاکنون صادرات فرش از جایگاه ویژه ای برخوردار بوده است اما متأسفانه در سالهای اخیر به جهت عدم حمایت از تولید کننده و عدم توجه خاص به این صنعت همانند سایر تولیدات نساجی کشور که از صنایع مولد و در عین حال مظلومترین صنایع کشور می باشند این رقم به شدت کاهش یافته است. بنابه گفته یکی از اعضای اتاق بازرگانی ایران فرش دستباف که در اکثر نقاط کشور به خصوص در استان های آذربایجان، خراسان، زنجان، قم، سیستان و بلوچستان، کرمان تولید می شود. در ۸ ماه سال ۱۴۰۰ حدود ۳۸ میلیون دلار بوده است. که این رقم باتوجه به گستره نواحی تولید فرش اعم از دستباف و ماشینی؛ که در کنار فرش دست باف به جهت مناسب بودن قیمت و همچنین داشتن متولی مشخص که عمدتاً در قالب اشخاص حقوقی تولید می کنند و با برنامه ریزی دقیق و تیم مدیریتی خود تا حد امکان دست به صادرات زده و بخش عمده ای از هزینه ها و مخارج

مصروفه را جبران می کنند قدرت رقابتی و جذب مشتری را ندارد. لیکن صنعت فرش دستباف که عمدتاً توسط اشخاص حقیقی و بصورت سنتی تولید شده و بدون مطالعه بازار و صرفاً بنابه عادت دیرینه سنتی تولید می شود و متولی جدی و با اراده وانگیزه ای ندارد همیشه با سردرگمی و تضرر تولیدکنندگان که از صنایع خانگی کوچک محسوب می شوند روبرو شده و آفتهای اقتصادی و اجتماعی عظیمی به بار می آورد.

علاوه بر نبود متولی جدی و با انگیزه و مصمم در مدیریت تولید و صادرات فرش دست باف متاسفانه علی‌رغم تاکیدات رهبر انقلاب مبنی بر زدودن موانع از سر راه تولید کنندگان و با وجود تصویب "قانون رفع موانع تولید رقابت پذیر و ارتقای نظام مالی کشور" در سال ۹۴ و اصلاحات بعدی آن متاسفانه تاکنون عزم جدی در برداشتن موانع از سر راه تولید محصولات و صنایع کوچک مشاهده نمی شود. که متاسفانه و صد افسوس صنعت خانگی فرش دست باف که از صنایع سنتی و دیرباز این مرز و بوم بوده از این نامهربانی ها بی نصیب نمانده و روز به روز به افول رفته و موانعی از سر راه تولید این محصول که حداقل بدون هیچ هزینه ای برای دولت و کشور امکان اشتغال هزاران نفر علی‌الخصوص زنان و دختران این مرز و بوم را در پی دارد برداشته نشده است.

به عنوان مصداق و نمونه عینی در شهرستان هریس که نویسنده خود عیناً از نزدیک با این شرایط آشنا بوده و با آن زندگی کرده ام به جرات می توان گفت که صنعت فرش دستباف علاوه بر ایجاد اشتغال برای حداقل ۶۰ درصد از مردم منطقه، امروزه به دلیل رکود کشاورزی و دامپروری که در اثر خشکسالی های چندین سال اخیر و بی برنامهگی در مدیریت کسب و کارها اتفاق افتاده فرش دستباف تنهاترین منبع درآمد و امرار معاش مردم منطقه بوده است. که آنم به جهت وجود موانع متعدد بر سر راه تولید و توزیع و صادرات آن موجبات نامیدی تولید کنندگان و فعالان این عرصه را فراهم نموده است. و این موانع و مشکلات مختلفی که در سرراه تجار و تولید کنندگان فرش قرار گرفته است باعث افول صادرات فرش که بالاترین رقم را در بین صادرات غیر نفتی کشور دارا می باشد بوجود آورده است. لیکن عدم توجه به این صنعت از ابعاد مختلف اقتصادی، حقوقی و مدیریتی موجب رکود این صنعت و نقش کشور ما در بازارهای جهانی شده به نحویکه سهم ایران از ۴۱٪ در سال ۱۹۷۶م. به ۳۱٪ در سال ۱۹۹۶ کاهش پیدا کرده و در سال ۲۰۲۱ اگر صادرات ۳۸ میلیارد تومانی را ملاک قرار دهیم این سهم به مراتب کمتر شده است. لازم به ذکر است علاوه بر موارد مدیریتی و معضلات اقتصادی بنظر نگارنده به عنوان یک کارشناس حقوق که سالها در صنایع نساجی به عنوان مشاور حضور داشته و از نزدیک شاهد مشکلات و گرفتاریهای تولیدکنندگان بوده است یکی از بزرگترین دلایل و عوامل این رکود عدم حمایت از حقوق طراحان فرش و سرقت نقشه های فولکلور و محلی که آمیزه ای از هنر و ادبیات و فرهنگ و اتنیک منطقه است. اینک سوالی که مطرح می گردد این است که طرحهای مربوط به فرش زیر مجموعه چه نظام حمایتی قرار می گیرند و چگونه باید اولاً از اصل فرش و نقوش مرسوم آن و ثانیاً از حقوق مادی و معنوی تولید کنندگان و تسهیل در صادرات فرش حمایت قانونی بعمل آورد. با رجوع به قوانین داخلی ایران می بینیم که قانونگذار ما در بند ۹ ماده ۲ قانون حمایت از مؤلفان، مصنفان و هنرمندان مصوب ۱۳۶۸ به طور اجمالی و مختصر نقشه قالبی و گلیم را مورد اشاره قرار داده است، گو اینکه بی اهمیت ترین جزء حقوق مالکیت فکری را معرفی می نماید از طرف دیگر این ماده دامنه گسترده ای را تحت پوشش خود قرار می

دهد و گذشت زمان نشان داده که نظام مناسبی برای حمایت از تمام عناوینی که در ذیل آن آمده نمی باشد، چنانچه در ابتدا نرم افزارهای رایانه ای تابع بند ۱۱ ماده ۲ قانون مذکور بود؛ لیکن مقنن در سال ۱۳۷۹ قانون خاصی را در حمایت از نرم افزارها وضع نمود.

از طرفی دیگر حمایت مبتنی بر نظام حق مؤلف در ایران بدون نیاز به ثبت، از اثر حمایت می نماید و حال آنکه مشکلات ناشی از ارائه دلیل از سوی خواهان در این نظام حمایتی موجب شده بسیاری از هنرمندانی که آثارشان تابع این نظام می باشد با استفاده از مؤسسات غیر دولتی مثل CISAC یا FIM که در زمینه جمع آوری آثار هنری و موسیقی فعالیت می کنند به دنبال احقاق حقوق خود بر می آیند.

نتیجه گیری

نگارنده معتقد است که با حمایت دقیق و قاطع از کلیه آثار مادی و معنوی و طرحها و ابداعات، صنعت فرش را نیز می توان در این مقوله گنجانده و ضمن حمایت قانونی موثر راهکارهای عملی مثل آزادسازی صادرات چمدانی و شخصی و ایجاد بستر مناسب جهت تبلیغ و ترویج فرشهای ایرانی از طریق ایجاد سندیکاهای مردمی و با حمایت دولت در بازارهای جهانی علی الخصوص بازار کشورهای حاشیه خلیج فارس و کانادا و... فراهم آورد.